



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### موضوع: وقت مشترک و مخصوص/مواقیت الصلاة

بجثمان در اعتبار ذهاب حمرة مشرقیه برای اثبات اول وقت مغرب بود، صاحب عروه اینطور فرمود: «و يعرف المغرب بذهاب الحمرة المغربية عن سمت الرأس والأحوط زوالها من تمام ربع الفلك من طرف المشرق»<sup>۱</sup>.

امام رضوان الله علیه حاشیه ای بر عبارت "سمت الرأس" دارند و فرمودند: «بل يعرف بزوال الحمرة المشرقية، و أما الذهاب عن سمت الرأس فلا لأنها لا تمر عن سمت الرأس بل تزول عن جانب المشرق بعد ارتفاعها مقدارا وتحدث حمرة أخرى مغربية محاذية لمكان ارتفاع المشرقية تقريبا، ولا تزال تنخفض عكس المشرقية، فالحمرة المشرقية لا تزول عن سمت الرأس إلى المغرب، ومرسلة ابن أبي عمير لا تخلو من إجمال، ويمكن تطبيقها على ذلك»<sup>۲</sup>.

صاحب عروه فکر کرده این حمرة مشرقیه کم کم بالا می رود و از بالای سر شخص رد می شود و کم کم محو می شود یعنی در واقع صحبت در این است که آیا حمرة مشرقیه خودش کم کم فرو می نشیند و محو می شود یا اینکه از بالای سر رد می شود؟ ما در شرح لمعه و کتب دیگر خوانده ایم که از بالای سر رد می شود منتهی امام رضوان الله علیه می فرماید از بالای سر رد نمی شود بلکه خودش کم کم بالا می رود و محو می شود.

مرسلة ابن ابی عمیر که در کلام امام رضوان الله علیه آمده این خبر است: «عن علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن محمد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، عن ذكره، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: وقت سقوط القرص و وجوب

الافطار من الصيام أن تقوم بحذاء القبلة و تنفقد الحمرة التي ترتفع من المشرق، فإذا جازت قمة الرأس إلى ناحية المغرب فقد وجب الافطار وسقط القرص»<sup>۳</sup>.

کلینی عن علی بن محمد که از اساتید کلینی است عن سهل بن زیاد که گفتیم خوب است عن محمد بن عيسى عبيد يقطينی که بسیار خوب است عن ابن ابی عمیر که بسیار خوب و از رجال مهم طبقه ۶ است "عن من ذكره" که همین عبارت باعث شده خبر مرسل به ابهام واسطه بشود.

امام رضوان الله علیه این خبر را قبول نکردند زیرا اولاً مرسل است و ثانياً بعضی مسائل را باید خودمان ببینیم و امام رضوان الله علیه نیز می فرماید وقتی با چشم نگاه می کنیم می بینیم که حمرة مشرقیه از بالای سر رد نمی شود بلکه رو به بالا می رود و کم کم محو می شود لذا رد شدن از بالای سر میزان نیست چون واقعیت ندارد.

خب و اما دو حاشیه دیگر در اینجا بر کلام صاحب عروه هست اول آیت الله حائری که فرمودند: «والأحوط إتيان الظهر والعصر قبل سقوط القرص، و إن كان الأقوى ما في المتن» و دوم آیت الله خوئی که فرمودند: «بل بسقوط القرص بالنسبة إلى الظهرين وإن كان الأحوط لزوما مراعاة زوال الحمرة بالنسبة إلى صلاة المغرب».

خب و اما دیروز عرض کردیم که در اعتبار ذهاب حمرة مشرقیه شکمی نداریم، علامه مجلسی در بحار الانوار مطلبی را از سید داماد نقل می کند که نهار شرعی از طلوع فجر شروع می شود تا ذهاب حمرة مشرقیه و این تعریف تمام علماء علوم و فنون مختلف می باشد، علامه مجلسی می فرماید من خودم نیز می خواهم کتابی درباره شناساندن روز و شب و اوقات مختلف بنویسم.

خب و اما وارد بحث مهمی می شویم که در روایاتمان نیز ذکر شده، مقدمه عرض می کنیم که در سفینة البحار نقل شده که شخصی بوده بنام محمد بن مقلاص کوفی که به او ابی الخطاب نیز می گفتند، او از شیعیان و اصحاب خاص امام صادق علیه

<sup>۳</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۲۷، ابواب مواقیت الصلاة، باب ۱۶، حدیث ۴، ط الاسلامیة.

<sup>۱</sup> عروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۵۲، ط جماعة المدرسین.

<sup>۲</sup> عروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۵۲، ط جماعة المدرسین.

عن جارود قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام يا جارود ينصحون فلا يقبلون، و إذا سمعوا بشئ نادوا به أو حدثوا بشئ أذاعوه، قلت لهم: مسوا بالمغرب قليلا فتركوها حتى اشتبكت النجوم فأنا الآن أصليها إذا سقط القرص. أقول: قوله: مسوا بالمغرب قليلا يدل على المقصود، وآخره يدل على عمله بالتقية بقريظة ذكر الإذاعة، ويأتي ما يؤيد هذه الأحاديث في الصوم وغيره إن شاء الله. واعلم أنه يتعين العمل بما تقدم في هذه الأحاديث وفي العنوان، أما أولا فلأنه أقرب إلى الاحتياط للدين في الصلاة والصوم، وأما ثانيا فلأن فيه جمعا بين الأدلة عملا وبجميع الأحاديث من غير طرح شئ منها، وأما ثالثا فلما فيه من حمل المجمع على المبين والمطلق على المقيد، وأما رابعا فلا احتمال معارضة للتقية وموافقته للعامة، وأما خامسا فلعدم احتمال له للنسخ مع احتمال بعض معارضاته له، وأما سادسا فلأنه أشهر فتوى بين الأصحاب، وأما سابعا فلكونه أوضح دلالة من معارضه، إذ لم يصرح فيه بعدم اشتراط ذهاب الحمرة، فما دل على اعتباره أوضح دلالة وأبعد من التأويل وما تخيله بعضهم من حمله على الاستحباب يرد ما تقدم وما يأتي من عدم جواز تأخير المغرب طلبا لفضلها وغير ذلك، والله أعلم<sup>٥</sup>.

از این روایات زیاد داریم که مراجعه و مطالعه بفرمائید و ما تا اینجا را ندانیم و نبینیم نمی توانیم کلام اهل بیت علیهم السلام را بفهمیم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على  
محمد و آله الطاهرين

السلام بوده ولی منحرف و کافر شد و ادعای نبوت کرد و فرقه ای بنام خطایه بوجود آورد، یکی از تفکرات او این بود که قائل شد مغرب را باید به تأخیر انداخت تا اینکه شفق غربی منعدم بشود و ستاره ها روشن بشوند، در تنقیح المقال شرح حال افراد و خصوصا منحرفین از مکتب اهل بیت علیهم السلام من جمله همین ابی الخطاب ذکر شده که مراجعه و مطالعه بفرمائید و مرحوم حاج آقا رضای همدانی نیز در صفحه ۲۸ از کتاب الصلاة همین جریان را نقل کرده و فرموده اهل سنت اول غروب آفتاب نماز مغرب می خوانند و از طرفی ائمه علیهم السلام ذهاب حمرة مشرقیه را میزان و معتبر می دانستند در این بین این ابی الخطاب یک مذهبی درست کرد و گفت نماز مغرب را نخوانید تا وقتی که حمرة مغربیه غروب کند، حب مردم چند فرقه شدند و حالا ائمه علیهم السلام وظیفه دارند راه را به مردم نشان بدهند و تقیه را از غیر تقیه مشخص کنند لذا در بعضی موارد تقیه فرمودند در همان اول غروب نمازتان را بخوانید تا در واقع شیعیان از شر دشمنان در امان بمانند و از طرفی خطایه نیز با تأخیر نماز را می خواندند فلذا ائمه علیهم السلام فرمودند نماز مغرب را باید بعد از ذهاب حمرة مشرقیه بخوانید و راه را اینطور مشخص کردند بنابراین اخبار زیادی نیز در ذکر این اختلافات و راهنمایی اهل بیت علیهم السلام داریم که با صراحت ذهاب حمرة مشرقیه را معتبر دانسته اند که در باب ۱۶ و ۱۸ از ابواب مواقیات ذکر شده اند، خبر ۱۴ این خبر است: ﴿وعنه، عن سليمان بن داود، عن عبد الله بن وضاح قال: كتبت إلي العبد الصالح عليه السلام يتواري القرص ويقبل الليل ثم يزيد الليل ارتفاعا، وتستتر عنا الشمس، وترتفع فوق الجبل حمرة، ويؤذن عندنا المؤذنون، أفأصلي حينئذ و أفطر إن كنت صائما؟ أو أنتظر حتى يذهب الحمرة التي فوق الجبل؟ فكتب إلي: أرى لك أن تنتظر حتى تذهب الحمرة، وتأخذ بالحائطة لدينك﴾<sup>٤</sup>.

خبر ۱۵ این خبر است: ﴿وعنه، عن ابن رباط، عن جارود و (أو) إسماعيل بن أبي سماك، عن محمد بن أبي حمزة،

<sup>٥</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۲۹، ابواب مواقیات الصلاة، باب ۱۶، حدیث ۱۵، ط الاسلامیة.

<sup>٤</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۲۹، ابواب مواقیات الصلاة، باب ۱۶، حدیث ۱۴، ط الاسلامیة.